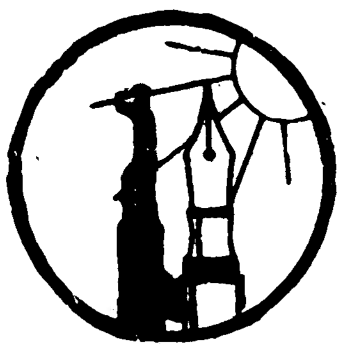
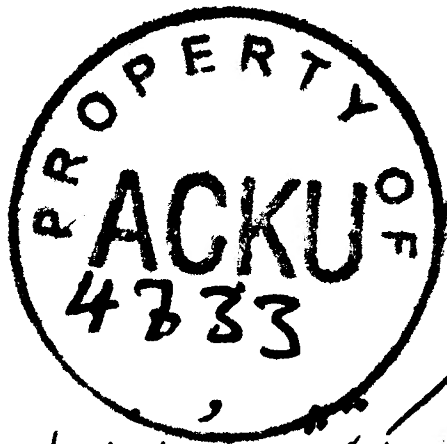


روش املای زبان دری

پذیرفتهٔ اتحادیهٔ نویسنده گان ج.د.ا.

روش املای زبان دری

پذیرفتهٔ اتحادیهٔ نویسنده گان ج . د . ا .



به کوشش پویا فاریابی

• روش املای زبان دری

• نشر کردهٔ اتحادیهٔ نویسنده‌گان ج . د . ا .

• تیراژ ۱۰۱۰۰ جلد

• مطبعهٔ تعلیم وتر بیه

• کابل - ۱۳۶۳

اظهار امتنان

ناهمگونی املایی واژه‌ها، پراگنده‌گی کنونی اشکال نوشتن کلمه‌ها، دشواریها، اختلافات و تفاوتهای آشکار درزمینه های املا ونشانه گذاری، ویژه‌گیهای نظام ریشه دار وتحول یا فتهٔ املایی ونگارشی زبان دری، دستاورد های تازهٔ زبانشناسی وپژوهشهای نوین درزمینه های زبان، ادبیات وشیوه‌های نگارش و جنبش نیرومند سواد وسواد آموزی درکشور ، همه وهمه یکبار دیگر ضرورت همگونسازی املای زبان دری ونشانه گذاری را دربرابر نسلهای پرتوان امروز وفردای افغانستان انقلابی قرار داده است.

اتحاد یهٔ نویسنده‌گان با شناخت این ضرورت فرهنگی جامعه وبه مقصد همگونسازی املای واژه های زبان دری ونشانه‌گذاری از استادان پوهنتون کابل، دانشمندان اکادمی علوم واعضای مسلکی اتحادیهٔ نویسنده‌گان کمیسیونی را متشکل ساخت. اعضای اصلی این کمیسیون عبارت بودند از :

۱ـ پو هاند داکتر عبدالاحمد جاوید

۲ـ پوهاند محمد رحیم الهام

۳ـ پوهنوال محمد عمر زاهدی



٤ـ واصف باختری

٥ـ اعظم رهنورد زریاب

٦ـ پوهنمل لطیف ناظمی

۷ـ پوهیالی پویا فاریابی

باید باسپاس فراوان یاد آوری کرد که علاوه از اعضای اصلی کمیسیون ، که به صورت منظم در جلسات اشتراک فعال داشته اند ، شاد روان پوهاند عبدالحی حبیبی ، پوهاند سرور همایون و محقق رضا مایل هروی نیز به حیث مشاوران در برخی ازجلسات اشتراك میورزیدند .

اعضای اصلی ومشاور کمیسیون طی جلسات متناوب وطولانی ، که قریب سه سال را دربر گرفت ، درزمینهٔ موضوعهای گوناگون املایی ونشانه گذاری ، بحثهای علمی ، گفتگو های گسترده وژرف و تبادل نظر کردند . فیصله ها وتصویبهای کمیسیون توسط محترم پوهاند محمد رحیم الهام یادداشت میگردید . بنا بر سفارش اعضای کمیسیون ، رسالهٔ « روش املای زبان دری » سر انجام توسط پوهیالی پویا فاریابی بررسی ، تنظیم ، تکمیل ونگارش یافت .

اتحادیهٔ نویسنده گان مراتب سپاسگزاری عمیق خود رابه اعضای اصلی و مشاور کمیسیون وبه محترم پویا فاریابی ، که درنگارش واهتمام رسالهٔ « روش املای زبان دری » سهم فعال گرفته اند ، تقدیم میدارد .

از آنجاکه این رساله برپایهٔ نتایج پژوهشها ، مطالعات وگفتگو های علمی و ادبی گزیده ترین استادان ، دانشمندان ونویسنده گان با اعتبار کشور نگارش یافته است ، بدون ترس از اشتباه ، تامدتهای درازی میتواند وباید برای شاگردان ، معلمان ، نویسنده‌گان وژورنالستهای افغانستان ومنطقه سرمشق قرار گیرد .

به امید شگفته گی فرهنگ وادبیات نوین همه ملیتهای ساکن افغانستان انقلابی .

دستگیر پنجشیری

عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا.

ورئیس اتحادیهٔ نویسنده گان ج . د . ا .

پیشگفتار

الفبای زبان دری

آ * ا ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ
ع غ ف ق ک گ ل م ن و ه (ه ۀ ﻫ ۀ ~) ء ی.

هریک از نمودارهای نوشتاری بالا «حرف» یا گرافیم ** یعنی واحد نوشتاری، نامیده میشود.

هرکدام از حرفهای ب پ ت ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش

---

* در نظام الفبایی زبان دری این حرف {آ} نیامده است ؛ مگر چون به مثابه نمودار نگارشی صوت / ā / در آغاز و گاهی در میانهٔ واژه به همین شکل نوشته میشود، در نظام الفبایی به حیث یک حرف پذیرفته شد و تجویز گردید تا در فهرست الفبا به حیث نخستین حرف نوشته شود. مثالهای کاربرد آن بدین گونه است:

در آغاز واژه: آب ، آمد، آورد، آینده، آرمان، آشفته

در میانهٔ واژه: جلالتمآب، مآثر، مآل

** grapheme

ص ض ط ظ ع غ ف ق ك گ ل م ن نمو د ار نگارش یک واك فونیم * ، یعنی واحد آوازی ز با ن در یست . با ید گفت که نوشتن درست حرفهای «ت»، «ط» ؛ «ذ»، «ز»، «ظ»، «ض»؛ «ث» ، «س»، «ص»؛ «ع»، «ء» ؛ «ح»، «ه» در واژه‌ها دشواریهایی به بار می آورد؛ زیرا:

«ت» و «ط» ،

«ذ»، «ز»، «ظ» و «ض»،

«ث»، «س» و «ص» ،

«ع»، «ء» و «ا»، «ح» و «ه» را دری زبانان غالباً یک سان تلفظ میکنند؛ اما اگر در نوشتن، واژه‌های ویژه یی یکی به جای دیگری نوشته شوند، معنای آن واژه ها دگر گون میشود یاواژه ها بیمعنی میگردند. به گونهٔ نمونه ، هرگاه واژهٔ «وعظ» را به رنگ «وعذ، وعزووعض» یا واژهٔ «حرص» رابه سان «حرث و حرس» یا واژهٔ «توت» رابه صورت «طوط، طوت وتوط» ویا واژهٔ «حرف» را به شکل «هرف» (به همین‌گونه ممکن است«عمل» را «امل» یا«حمل» را«همل» ومانند آن) بنویسیم، مفاهیم واژه‌ها دگرگون یا واژه‌ها بیمعنی میشوند. برای درست نوشتن واژه‌ها راه وروش ویژه‌یی وجود ندارد. بایدهرنویسنده‌یی هیئت درست چنین واژه ها را بشناسد وهریک رادرست بنویسد .

ازشمارحرفهای الفبای‌دری «آ،ا،و،ی» نمودار واکها(واحد های آوازهای گفتاری) واول اند . واولها ، که آنها را درعربی «حروف علت» و در زبان دری «مصوتها» و«صدا دارها» ** گفته اند، واکهایی اند که هنگام‌تولید آنها،توسط

---

* Phoneme

** اصطلاح «صدادار» و«مصوت» دقیق نیست؛زیرا هرواك خودش«صدا» و«صوت» است و نمیتوان «صدا» را به صدا دار و بیصدا بخش کرد .

دستگاه تولید آوازهای زبان، درجریان هوای تنفس (که آواز در واقع از اهتزاز وجنبش آن پدید می‌آید) هیچ گونه بندشی صورت نمیگیرد وبراساس اختلاف موقعیت وحالت عضلهٔ زبان درخالیگاه دهن وپدید آمدن تفاوتهایی دروضع وشکل لبها ازهم تمایز مییابند ونیز درساختار زبان همواره اوجهای هجاها (کرسیهای فشار وتکیهٔ واژه‌ها) را تشکیل میدهند. همچنان حرف «ه» که درنوشتن تالیها (واریا نتها– الوگرافها) ی * گونا گون «ه ƒ ه ƒ ~» دارد گاهی نمودار واول است، که ما« های غیر ملفوظ» مینامیم.

واما کانسونانتها، که در عربی حروف صحیح و در دری حروف صامت یا بیصدا نامیده میشوند، واکهایی اندکه به هنگام تولید آنها، توسط دستگاه تولید آواز های زبان، درجریان هوای تنفس بندشی جزئی یا کلی ایجاد میگردد وچنین واکها درساختار زبان هیچ گاهی اوج هجا را تشکیل نمیدهند، بل درحاشیهٔ اوج هجا قرار میگیرند.

درنظام نوشتاری زبان دری درست نوشتن کانسونا نتها، جز آنچه پیشتر گفتیم ونمونه هایی آوردیم، دشواریهای ژرف وپیچیده کمتراست؛ زیرا هرحرف نمودار یک واك ویژه است؛ اما دشواریهای اساسی وژرف بیشتر در درستنویسی حروف واول است؛ زیرا هرحرف‌واول نمودارچندین واك است وچون واولهای واژه‌ها

---

* allograph شکلهای گوناگون هرحرف را گویند که نظر به جای‌کاربرد، تفاوت دارند. چون {ع} (مفرد)، {عـ} (آغازین)، {ـعـ} (میانین) و {ـع} (فرجامین)، همچنان تالیهای {ه} در «هیچ» و «بنده» و «دسته» و «سیهکار».
این تالیها به شیوه های خط از گونهٔ نسخ ونستعلیق و امثال آنها مربوط نیست؛ زیرا درهر شیوهٔ خط دری هرحرف‌خود ش تالیهایی ازگونهٔ‌مثالهایی که‌آوردیم، دارد.

درساختار های صرفی ونحوی باهم بیامیزند ویکی درپی‌دیگر آیند، نویسندهٔ نوکار مشوش میگردد وبساکه دچار اشتباههایی میشود وآهنگ همگونه گی املاییش برهم میخورد. ازسوی دیگر، برای درستنویسی واولها در واژه‌ها ازدیرباز، پژوهشگران به تنهایی یابه صورت گروهی تلاشهایی کرده اند که رهنمود های هریک یاهرگروه پیروانی دارد. این‌عوامل ونیز سنت هزار سالهٔ نظام املایی و نگارشی زبان دری، که باجامعهٔ ما دگرگونی پذیرفته روبه تکامل نهاده‌استودر دستنویسهای فراوان ازمراحل گوناگون تکامل رسم الخط دری آشکارا دیده میشود، باهم درآمیخته سبب ناهمگونی املای واژه‌ها گردیده است.

برای اثبات این واقعیت به آوردن گواه نیازی نیست؛زیرا هربرگی‌ازکتابی راکه برگردانیم یابه هراثری، خطی باشد یاچاپی، نظر اندازیم به خصوص‌در مجله ها، روزنامه‌ها وجریده هاوحتی درنوشتهٔ یک نویسنده، ناهمگونیهای بیشماری درنگارش عین واژه میابیم .

گفتیم که نوشتن واولها وترکیبهای آنها در واژه‌ها وساختار های اشتقاقی ، صرفی ونحوی دشواریهایی دارد ونا همگونی املایی بیشتر ازهمین رهگذر برخاسته است.

بهتر است دراین پیشگفتار آن دشواریها رابه اختصار برشماریم.

نخستین ودومین حروف الفبای ما دارای شکلهای زیر است:

آ ، ا ، أ

[آ] درآغاز ومیانهٔ واژه هانموددار / a̅ / (به اصطلاح الف ممدوده) است :

آمد، آفتاب، آورد، آذین، آبرو، آتش، آسوده، آیین،

مآل ، جلا لتمآب ، که حرف ماقبل آن نیز متحرك است ، مآخذ، مآثر ، منشآت .

[ا] درآغاز واژه :

گاهی نمودار / a / (زبر یافتحه) است :

امر، ای، انگور، انار، اشک، اگر، افروخت - ماآن را « الف مفتوح » گوییم ؛

گاهی نمودار / I / (زیر یاکسره) است :

امضا، اعلان، اقرار، امکان، ایجاد، امروز، اثبات - ماآن را « الف مکسور » نامیم .

گاهی نمودار / u / (پیش یا ضمه) است :

استاد، اصول، اردو، اجاق، اسلوب، امور- ماآن را « الف مضموم » خوانیم .

[أ] درمیانهٔ واژه نمودار / a / (زبر) است :

مسأله، مأوا، مأخوذ، مأنوس .

درانجام واژه نمودار کانسونانت ساکن است :

مبدأ، منشأ ، ملجأ.

[و] گاهی نمودار کانسونانت /W/ است :

به تنهایی به حیث{ و } عطف وربط ، درحال وصل / u / خوانده میشود ؛ چون: من و گرز ومیدان وافراسیاب.

وامادر حال فصل /wa/ خوانده میشود ؛ مانند:

فرزانه ازاین‌که قلم ، کتاب وکتابچه‌اش را نیاورده بود، اندوهگین مینمود.

درآغاز واژه:

گاهی نمودار /wa/ است ؛ مانند:

وی، ولد، وقت، ورزش .

گاهی نمودار / WI / است ؛ چون :

وفق، ورد، ولایت.

گاهی نمودار / Wu/ است؛ مانند:

وصول، وحوش، ورود، وقوف.

درمیانهٔ واژه:

گاهی نمودار / Wa/ است؛ مانند:

اول، بین‌الدول، احول، محول، روند، میو ند، کشاورز، تگاور ، روك میز.

گاهی نمودار / WI / است؛ چون: متمول، متحور، مشاور، مجاور.

گاهی نمودار / Wu/ است؛ چون: تعاون، تلون، تحول، تمول، تناول.

گاهی نمودار گونه‌یی از /W/ (واومعدوله) است؛ مانند:

خواهر، خوانش، خواهش، خواب، خوار.

درانجام واژه:

گاهی نمودار / aw / است؛ مانند:

نو، جلو، پیشرو، نر و، بدو.

گاهی نمودار / W/ است؛ چون :

سرو، مر و، تذ رو *

همچنان [و] گاهی نمودار واول است.

درمیانهٔ واژه:

گاهی نمودار / u / (پیش یاضمه) است؛ مانند:

خود، خورشید، خوشنو د، خوش .

گاهی نمودار / ú / (واومعروف) است؛ چون:

توت، خوب، نمود، بو د، رنجور، دور .

---

* درواژهٔ «عمرو» چون« عمرو بن لیث» و«عمرو بن عاص» ، «و» خوانده‌نمیشود.

گاهی نمودار / o / (واومجهول) است؛ مانند :

شور، گور، تور، زوو، کـور .

درانجام واژه :

گاهی نمودار / o / **است؛** مانند :

گفتگو، بدخو، شستشو، آرزو، آبرو .

گاهی نمودار / ú / است؛ مانند:

بازو، ناژو، آلو، لیمو.

[ی] گاهی نمو دار کانسونانت / y / است.

درآغاز واژه :

گاهی نمودار / ya / است؛ مانند :

یک، یم، یل، ید، یزد (شهریزد، فرخی یزدی)

گاهی نمودار / y / است؛ چون:

یار، یابنده، یوغ، یاد، یال.

درمیانهٔ واژه:

گاهی نمو دار / ya / است؛ مانند:

درایت، نهایت، سعایت، سیر، مویک.

گاهی نمودار / ay / است؛ مانند:

پیوند، پیکار، میگسار، بیعت، دیر (صومعه) *

درانجام واژه:

گاهی نمو دار / ay / است؛ چون:

می، وی، پی، نی.

---

* گاهی دربرخی واژه‌های عربی مشدد خوانده میشود؛ چون: خیّر، نیّر، حیّز.

گاهی نمو دار / y / است؛ مانند:

جوی، موی، بدخوی، روی، شوی (شوهر).

[ی] همچنان نمودار واول است:

درمیانۀ واژه:

گاهی نمودار واول / e / (یای مجهول) است؛ مانند :

دیر، میوه، ریو، دیو، نیو، سیر، شیر (حیوان)، تیغه.

گاهی نمو دار واول / ī / (یای معروف) است؛ چون:

سیر، تیر ، پیر ، شیر ، منیر ، فیل، بیم.

درپایان واژه:

گاهی نمودار / e / (یای مجهو ل) است؛ مانند:

مردی (نکره)، همی، کتابی.

گاهی نمودار / ī / (یای معروف) است؛ مانند:

مردی(اسم معنی)، کتا بی (نسبت) ، گفتی، کشتی.

گاهی درعبارتهای اضافی وتوصیفی /yī/ خوانده میشود؛ مانند:

کشتی باربردار، صوفی وارسته.

باید یادآورشد که زبان گفتاری دری (لهجۀ کابل) هشت واك واول دارد و چندین واول مرکب(دفتانگ) یایی وواوی ازگونۀ واکهای :

/ úu oáa/īle/

ود فتانگهای :

/ aw īw ew áw ay áy úy oy /

که تمام اینها توسط پنج حرف (آ ، ا ، و، ی، ه) وتر کیبات آنها نوشته میشوند. ازسوی دیگر، الفبای زبان دری ویژه‌گیی داردکه الفباهای دیگر ندارند

و ن این است که هر حرف صامت غالباً چهارگونه خوانده میشود؛ چنان که حرف {ب} راهم ساکن، هم مفتوح، هم مکسور وهم مضموم میتوا ن خواند. از این نگاه واز نظر مراحل تکامل نظامهای الفبایی، الفبای ما، هم« فونیک» است، یعنی دلالت

واك بسیط میکند وساکن خوانده میشو د وهم هجاییست ودرعین هجایی بود ن

ـرهجا های Cl وCu وCa (علامۀ C نمودار صا مـت است) د لالت مینما ید.

ومثلاً « بْ، بَ، بِ، بُ » خوانده‌میشود وپیروهیچ دستوروقاعده یی نیست.

این‌دشواریها وپیچیده‌گیها سبب شده‌است‌که ازیک سو ،درخواندن بسیا ری از واژه هـا اشتباه روی د هد وازسـوی دیگر، درنـوشتن واژه ها سرگـردانیها نابه‌سا مانیهایی به بار آیـــد .

هرچند درگذشته ازسوی پوهنتون کابل به ویژه پوهنځی ادبیات ووزارت معارف وقت تلاشهایی برای همگونسازی املاونشانه گذاری زبان دری صورت گرفته رهنمودهایی به منظور تدریس به دانشجویان وشاگردان نگاشته شده‌است؛ چنان که به سال ۱۳۳۰ یک جـزوۀ درسی به نام « بحث انتقادی بـر املا وانشای فارسی» توسط استاد عبدالاحمد جاوید تدوین‌گردید. سپس‌به سال ۱۳٤۰ رساله‌یی دراین زمینه به نام « یک روش جدید در املای فارسی» توسط گروهی ازاستادان پوهنځی ادبیات ودانشمندان وزارت تعلیم وتربیه فراهم آورده شد. این رساله به سال ۱۳٤۲ بااندك دگرگونی وتعدیل به نام« روش جدید در املای دری » بـه‌جای شمارۀهشتم مجلۀ «بخوان وبدان» به نشررسید وسپس به سال۱۳۵۵ با اصلاحات وافـزایشهای بیشتری از سـوی پـوهنځی ادبیات‌وعلـوم بشری بـه نشر سپرده شد. آخرین باررسالـۀ یاد شده به سال ۱۳۵۹ تـوسط پـوهنمل لطیف نا ظمی به

حیث جزوهٔ تدریسی مورد تجدید نظر قرار گرفت. چون درمورد املا ونشا نه - گذاری زبان دری هنوزهم ناهمگونیها واختلافاتی وجود دارد. بنابراین، اتحادیهٔ نویسنده‌گان ج.د.ا. برآن شد تاتازه ترین نظریات را بررسی‌نموده رساله‌یی به حیث رهنمود فراهم آورد وبه همین مناسبت، کمیسیونی متشکل ازاستادان پوهنتون کابل، اکادمی علوم ج.د.ا. واعضای مسلکی‌اتحادیه را برگماشت که رسالهٔ تازه یی دراین زمینه فراهم آورند تا به صورت همگون درسراسر کشور مورد کاربرد قرار گیرد.

پوهاند محمد رحیم الهام

کابل - عقرب ۱۳۶۳

بخش نخست

املا

۱- هرگاه واژه‌های مختوم‌به واولهای/ o ، ú / (واومجهول،واومعروف) مضاف، موصوف یامنسوب قرار بگیرند، پس ازآنها یک { ی } میافزاییم:

واو مجهول

الف) به حیث موصوف:

سبو	سبوی شکسته
شبو	شبوی سفید
گلو	گلوی خشک
نمو	نموی سریع گلها
آبرو	آبروی برباد رفته
گفتگو	گفتگوی سودمند

ب) به حیث مضاف :

سبو	سبوی من
شبو	شبوی چمن
گلو	گلوی آواز خوان
نمو	نموی نباتات
ماهرو	ما هروی من
آبرو	آبروی کسان رانباید ریخت

ج) به حیث منسوب:

سبو	سبوی استالفی
شبو	شبوی کابلی
ایمو	لیموی هند ی
ماهرو	ماهروی سمرقندی

واو معروف

الف) به حیث موصوف :

بازو	بازوی توانا
مو	موی سیاه
رو	روی سپید
خو	خوی بد

ب) به حیث مضاف :

بازو	بازوی رستم زابلی
مو	موی پیر مرد

رو	روی دیوار های بلند
خو	خوی کودکان

ج) به حیث منسوب :

خواجو	خواجوی کرمانی
آهو	آهوی ختنی

د) هرگاه حرف {و} درپایان واژه‌ها نمودار کانسونانت باشد، درحالتهای موصوف، مضاف ومنسوب حرف دیگری درنوشته نمی‌آید وهمین واوبا کسره تلفظ میشود؛ مانند :

دیو	دیوسفید
غریو	غریوجانکاه
جلو	جلو اسپ
گاو	گاو شیری

۲ـ باواژه‌هایی که مختوم به الف ممدوده / á / باشند، در حالاتی‌که موصوف، مضاف ومنسوب قرار گیرند یک { ی } افزوده میشود؛ مانند :

دانا	دانای راز
صدا	صدای گیرا
قبا	قبای ابریشمین
شبها	شبهای زمستان
هوا	هوای بهار
ژرفا	ژرفای شب

۳ـ واژه‌های دخیل ازعربی که دراصل مختوم به همزه {ء} بعداز الف باشند،

همزه نوشته نمیشود. درحالات موصوف، مضاف ومنسوب مانند قاعدهٔ ۲ تنها یک { ی } به آنها علاوه میگردد؛ مانند :

امضا	امضای استا د
ابنا	ابنای زمانه
اشیا	اشیای قیمتی
ارتقا	ارتقای علمی
انشا	انشای ساده
املا	املای دری
علما	علمای کلا م
اجرا	اجرای وظیفه
ایفا	ایفای امور
انقضا	انقضای مدت *

٤ـ درواژه‌های‌مختوم به « های غیرملفوظ »که‌درآنها حرف { ه } نمودارزبر (فتحه، واول / a /) است درحالات‌موصوف، مضاف‌ومنسوب‌نشانهٔ { ء } بالای {ه} نوشته میشو د؛ مانند :

خانه	خانهٔ علم وفرهنگ
لانه	لانهٔ زنبو ر
اتحادیه	اتحادیهٔ نویسنده‌گان
دره	درهٔ غوربند

* این گونه واژه ها درترکیبات‌عربی‌مانند اصل عربی‌نوشته‌میشوند؛ چون: اسماء الحسنی وماوراء النهر.

ستاره	ستارهٔ دنباله دار
قباله	قبالهٔ زمین
نامه	نامهٔ بی امضا
بنده	بندهٔ نفس
کارنامه	کارنامهٔ بزرگان

۵- هرگاه واژه‌های مختوم به « های غیر ملفوظ » با{ - گان} یا {- ها }جمع شوند، « های غیر ملفوظ» حذف نمیشود؛ مانند :

بنده	بنده‌گان	بنده ها
رونده	رونده‌گان	رونده ها
وابسته	وابسته گان	وابسته ها
ستاره	ستاره‌گان	ستاره ها
نویسنده	نویسنده‌گان	نویسنده ها
تشنه	تشنه گان	تشنه ها

۶- هرگاه باواژه‌های مختوم به « های غیر ملفوظ» هرگونه پسوند یاواژه های دیگر بیاید « های غیر ملفوظ » حذف نمیشود؛ مانند :

تشنه	تشنه گی	تشنه وار	تشنه گونه
وارسته	وارسته گی	وارسته وار	وارسته گونه
همبسته	همبسته گی		
چگونه	چگونه‌گی		
نامه	نامه ام	نامه ات	نامه اش*

* عده یی ازدانشمدان به این عقیده هستند و مجاز میدانند که در واژه های مختوم به « های غیر ملفوظ » مثل بنده‌گی، آشفته گی ونویسنده‌گان {ه} (های غیر ملفوظ) نوشته نشود؛ اما کمیسیون به خاطر رعایت وحدت املا یی نوشتن {ه} را درهمچو واژه‌ها مرجح میداند.

۷- هرگاه واژه های مختوم به «یای معروف» / ī / و« دفتا نگهای یایی» /ay ūy oy áy/ درحالات موصوف، مضاف ومنسوب آیند، پس ازآنها چیزی درنوشته افزوده نمیشود؛ مانند:

چوکی	چوکی معلم
قیچی	قیچی خیاطی
چای	چای سبز
نی	نی شکسته
بوی	بوی خوش
خوی	خوی بد

۸- با واژه هایی که‌مختوم به حروف نمودار صامتها باشند، درحالات موصوف، مضاف ومنسوب یاهنگام پیوستن پسوند های ضمیری وجمع و پسوند های نسبتی چیزی در نوشته علاوه نمیشود؛ مانند:

شعر:	شعرنو، شعر سعدی، شعرمن، شعرم ، شعرش، شعردری،
جلو:	جلوکهنه، جلو اسپ، جلو او، جلوم، جلوش، جلو چا چی،
گل:	گل سرخ، گل نارنج ، گل تو، گلم، گلش ، گل روسی،
قلم :	قلم خودکار، قلم هوشنگ، قلم‌تو، قلمم، قلمش، قلم جاپانی.

۹- «های ملفوظ» نیز حرف نمودار صامت است. بنابراین، باواژه‌هایی که مختوم به این حرف باشند ، درحالات موصوف، مضاف ومنسوب نیز درحالت پیوستن پسوند جمع یاپسوندهای ضمیری، نسبتی وتنکیر، چیزی درنوشته افزوده نمیشود؛ مانند:

کوه : کوه بلند، کوهی(نسبتی)، کوهها، کوهی (نکره)،

کلاه : کلاه سیاه، کلاه احمد، کلاه من، کلاهم، کلاهش، کلاه عسکری، کلاهها، کلاهی (نکره)،

نگاه : نگاه افسونگر، نگاه دلدار، نگاه کودك، نگاهم، نگاهش، نگاه ـ عاشقانه، نگاهها، نگاهی (نکره)،

راه: راه دور، راه پغمان، راهم، راهش، راهها، راهی (نکره)،

ماه : ماه‌نو، ماه نخشب ، ماه‌من، ما هم، ما هش ، ماه عیسوی، ما هها، ماهی (نکره).

۱۰ـ واژه هایی که باآنها ضمایر « مان، تان، شان» بیایند، آن واژه ها از این ضمایر جدا نوشته میشوند؛ مانند:

قلم مان، قلم تان، قلم شان،

راه مان، راه تان، راه شان،

زنده‌گی مان، زنده‌گی تان، زنده‌گی شان.

۱۱ـ پسوند نکره، پسوند اسم معنی وپسوند صفت نسبتی باواژه‌های مختوم به الف ممدوده {ا} ، واو معروف و مجهول {و} وهای غیر ملفوظ {ه} به شکل « یی » نوشته میشود :

الف) واژه های مختوم به {ا}

دنیا : دنیایی میخواهم پراز صلح وصفا. (پسوند نکره)

دانا : دانایی، توانایی‌ست .(پسوند اسم معنی)

اعتنا : به من اعتنایی ننمود. (پسوند تنکیر)

آسیا : مسابقات فتبال آسیایی به زودی آغاز میشود (پسوند صفت نسبتی)

ب) واژه‌های مختوم به واو معروف ومجهول { و }

لیمو: پروین پیراهن لیمویی پوشیده بود. (پسوند صفت نسبتی)

د و : دویی دربین دوستان ناپسندیده است.(پسوند اسم معنی)
مو : اوسرمویی هم به برادرش علاقه نداشت. (پسوند وحدت)
ج) واژه های مختوم به های غیر ملفوظ { ہ }
نامه: نامه یی به برادرم فرستادم. (پسوند نکره)
سرمه: او پیراهن سرمه یی پوشیده بود. (پسوند صفت نسبتی)
بنده: مبارزان زنجیرهای بنده‌گی را گسستند.(پسوند اسم معنی)
د) پسوندهای اسم معنی وتنکیر وضمیری در واژه های مختوم به {ی} چنین نوشته میشوند :
صوفی: صوفیی آن است که هرچه درکف داری بدهی ...(پسوند اسم‌معنی)
(خواجه عبدالله انصار)
یا : صوفیی میگشت در دور افق ... (پسوند نکره)
(مولوی)
کشتی: کشتیی ازدریا میگذشت. (پسوند نکره)
یا : کشتیم، کشتیت، کشتیش، کشتی مان (یم، یت... نشانه های ضمیری)
زنده گی : زنده گیم، زندگیت، زنده گیش، زنده گی‌تان (یم، یت ... نشانه های ضمیری)
۱۲- { ای } تنها دریک مورد ودر صیغهٔ مفرد مخاطب فعل ماضی قریب یا صیغهٔ مفرد مخاطب فعل حال اخباری نوشته میشود:
تودرخانه ای، تورفته ای، گفته ای، برده‌ای، خورده‌ای.

یا : درخانه ام	درخانه ایم	
درخانه ای	درخانه اید	
درخانه است	درخانه اند	(درخانه استند)
ویا: رفته ام	رفته ایم	
رفته ای	رفته اید	
رفته است	رفته اند	(رفته استند)

۱۳ـ واژه‌های مختوم به الف ممد وده { ا } و { ی } وواومعروف ومجهـول { و } وهای غیرملفوظ { ه } هنگام پیوستن باپسوندهای اضافی به گونهٔ زیر نوشته میشوند:

پا : پایم، پای مان، پایت، پای تان، پایش، پای شان،

جای : جایم، جای مان، جایت، جای تان، جایش، جای شان ،

آرزو: آرزویم ،آرزوی مان، آرزویت، آرزوی تان،آرزویش، آروزی‌شان،

خانه : خانه ام، خانهٔ مان، خانه ات، خانهٔ تان، خانه اش ،خانهٔ شان،

نامه: نامه ام، نامهٔ مان، نامه ات، نامهٔ تان، نامه اش، نامهٔ شان،

زنده‌گی: زنده‌گیم، زنده‌گی مان، زنده‌گیت، زنده‌گی تان، زنده‌گیش، زنده‌گی شان .

۱٤ـ « است»، « استند» و «اند» چنین نوشته میشوند:

الف) پس ازواژه های مختوم به الف ممدوده { ا } ،

دانا :	داناست	داناستند	داناایند
توانا :	تواناست	تواناستند	توانایند
کجا :	کجاست	کجاستند	کجایند

ب) پس از {و} معروف ومجهو ل ،

(۱) پس از واژهٔ مختوم به واو مجهول:

نیکو :	نیکوست	نیکوستند	نیکویند
بد خو :	بدخوست	بدخوستند	بدخویند
روبه رو:	روبه روست	روبه روستند	روبه رویند

(۲) پس از واژه ها ی مختوم به واوهای صامت /aw/ و/âw/ و /ew/ ،

نو : نواست نواستند (هستند) نواند

جلو: جلواست جلواستند (هستند) جلواند

گاو: گاواست

هزارناو: هزارناو است

ریو: ریواست

دیو: دیواست

(۳) پس از واژه های مختوم به {ی} معروف وبرخی از دفتانگهای یایی،

زنده‌گی	زنده گیست
مبتدی	مبتدیست
علمی	علمیست
طبیعی	طبیعیست
شخصی	شخصیست
زیبایی	زیباییست
دانایی	داناییست *

(٤) پس‌از واژه های مختوم به های غیر ملفوظ و تمام صامتها،

خانه	خانه است
لانه	لانه است
گواه	گواه است
زنده	زنده است
چنین	چنین است

* نوشتن این واژه ها با « الف » به شکل زنده‌گی است، طبیعی است، ودانایی است نیز جواز دارد.

دیوار		دیوار است.
نزدیک		نزدیک است *

(۵) فعل «نیست» و واژه های پرسشی «کیست» و «چیست» به همین گونه نوشته میشوند.

۱۵- پیشوند ها :

پیشوند ها در زبان دری به دو بخش عمده جدا میشوند: پیشوند های صرفی (تصریفی) و پیشوند های واژه ساز (اشتقاقی).

پیشوند های صرفی بدین گونه مشخص میشوند :

(۱) پیشوند { می- } یا { همی - }

هر گاه این پیشوند در جلو فعلهای آغاز شده به صامت قرار گیرد، با ماده یا اصل فعل پیوسته نوشته میشود؛ مانند :

میگفت، میروم، میدانستم، میخواست، میرفت، میدید.

همیگفت، همیروم، همیدانستم، همیخواست، همیرفت، همیدید.

هر گاه با فعلهای آغاز شده به مصوتهای «الف مفتوح، مکسور و مضموم» بیاید، باز هم با فعل پیوسته نوشته میشود؛ مانند :



انداخت	میانداخت
افروخت	میافروخت
انگیزد	میانگیزد
ایستاد	میایستاد

---

* بهتر است واژه های مختوم به صامتها را به صورت مشکلست، آسانست کمست، خوبست، آنست، همینست، نزدیکست و مانند اینها ننویسیم و الف فعل «است» پس از واژه های مختوم به های غیر ملفوظ و صامتها حذف نشود.

افتاد	میافتاد
افتد	میافتد

هر گاه با واژه هایی که با {و} و { ی} آغاز میابند، بیاید بدین گونه نوشته میشود :

میورزد   میوزید   مییافت   مییازید .

و اما هرگاه بافعلهای آغازشده به مصوت { آ } بیاید، جدا نوشته میشود ؛ مانند:

آراست	می آراست
آمد	می آمد
آرمید	می آرمید
آزمایند	می آزمایند
آسایند	می آسایند

(۲) پیشوند { بـ } که همواره با فعل می آید به اینگونه نوشته میشود:

هرگاه با فعلها ی آغاز شده به حرف نمودار صامت بیاید ، با فعل پیوسته نوشته میشود؛ مانند:

بگفت، برفت، بزد، ببیند، ببین، برو، بخوان، بگمار ؛

هرگاه با فعلهای آغازشده به حروف نمودارمصوت (الف مفتوح یامضموم) بیاید، { ا } حذف میگردد و پیش از فعل {ی} افزوده میشود؛ مانند :

افگند	بیفگند
افروز	بیفروز
افتاد	بیفتاد
انداخت	بینداخت

هر گاه با فعلهایی که با «الف مکسور» آغاز شده باشند، بیاید الف‌آن‌نوشته میشود؛ مانند :

ایستاد بایستاد ایستد بایستد

هر گاه با فعلهای آغازشده به حروف نمودار مصوتهای { ی } و { و } بیاید مانند صامتها پیوسته با فعل نوشته میشود؛ چون :

یافت بیافت

ورزید بورزید

وزید بوزید

و اما اگر با فعلهای آغازشده به حروف نمودار{ آ } بیاید، میان پیشوند واصل فعل {ی} افزوده‌میشود ودر نگارش‌علامهٔ«مد»از آغاز فعل‌حذف‌میگردد؛مانند:

آید بیاید

آورد بیاورد

آمد بیامد

آراست بیاراست

آشفت بیاشفت

(۳) پیشوند نفی {نـ} به این گونه نوشته میشود :

هر گاه با فعلهای آغاز شده با حروف نمودار صامت بیاید، پیوسته با فعل نوشته میشود ؛ مانند :

نخورد، نرفت، نکرد، نوزید، نگفت، نیافت ؛

هرگاه با فعلهای آغاز شده به حروف نمودارمصوت (الف مفتوح‌یامضموم) بیاید، میان این پیشوند واصل،{ ی } افزوده میشود و الف آغازین فعل حذف میگردد؛ مانند :

انداخت	نینداخت
افروخت	نیفروخت
افروز	نیفروز

در واژه های «ایستاد» و «ایستد» به این شکل نوشته میشود :

ایستاد	نایستاد
ایستد	نایستد

و اما هر گاه با فعلها ی آغاز شده با حـروف نمودار {آ} بیاید میان این پیشوند واصل فعل،{ی} افزوده میشود وعلامهٔ «مد» {~} حذف میگردد؛ مانند:

آمد	نیامد
آراست	نیاراست
آورد	نیاورد

(٤) پیشوند نهی {م -} نیز خصوصیت پیشوند نفی را دارد وبا فعلهای آغاز شده به حروف نمودار صامت پیوسته نوشته میشود؛ مانند :

مکن، مرو، مخور، مزن، منشین، مگو، مخوان .

و اما هرگاه با فعلهای آغاز شده به حروف نمودار مصوت بیاید، مانند پیشوند نفی نوشته میشود؛ چون:

افروز :	نیفروخت	میفروز	میفروزید
افگن :	نیفگند	میفگن	میفگنید
آ :	نیامد	میا	میایید
ایست :	نایستاد	مایست	مایستید

(٥)پیشوندهای واژه ساز :

پیشوند های واژه ساز تاحد امکان باید بااصل واژه پیوسته نوشته شوند؛ مانند:

ام: امروز، امشب، امسال ،

بی: بیکار، بیدل، بینوا، بیرنگ، بیدرنگ.

هرگاه پیشوند {بی -} با واژه هایی بیاید که باحروف نمودارمصوت {آ،ا} آغاز شوند، جدا نوشته میشود؛ مانند :

بی آب، بی آبرو، بی آزار، بی ادب، بی اراده، بی انصاف.

همچنان‌هرگاه به‌حیث‌پیشینه به‌کاررود از اصل‌واژه‌جدا نوشته‌میشود؛ مانند:

بی‌چون وچرا، بی گفت وشنود، بی رتق وفتق، بی خورد و خواب .

پسوند ها نیز مانندپیشوند ها تاحدامکان با واژه ها پیوسته نوشته‌میشوند؛ مانند:

نیلگون ،نیلفام، ستمگر، باغبان، بیننده، بهتر، بهترین، نالان، سحرگاهان، چوبین، سمین، پریوش، ماهوش، مهوش، دانشمند، هدفمند، گلزار، نیستان.

۱۷- پسینهٔ {را} از واژه ها جدا نوشته میشود؛ مانند :

کتاب را، قلم را، آدم را، وی را، این را، آن را، فرهنگ را، دانش را دیوان را، مشکل را *

۱۸- پسوند های جمع {- ها} و {- آن} با واژه ها پیوسته نوشته‌میشوند؛ چون :

کتابها، قلمها، دستها، دلها، باغها، جنگلها، کوهها، چوکیها، الماریها، آدمها، عربها، افغانها، ایرانیها، هندیها، آسیاییها، افریقاییها، امریکاییها، جایها، پایها، مویها، جویها، رویها .

هرگاه واژه هایی که به « های غیر ملفوظ » پایان یافته باشند در صورت جمع بستن با « ها»، {ه ƒ ه ƒ ه} پایان واژه حذف نمیشود؛ مانند :

نامه - نامه ها، خانه - خانه ها، جامه - جامه ها، افسانه - افسانه ها، کوه- کوهها *

---

* یاد داشت :

این واژه ها و ترکیبهای ویژهٔ دری که برخی ازنویسنده گان آنها را با*

۱۹- واژه های مرکب تا حد امکان یکجا نوشته میشوند؛ مانند:

* نشانه های { ات وجات } جمع میبندند - هرچند مربوط به املا نیست - بانشانه های «- ها» و« - ان » به این گونه نوشته میشوند :

باغ - باغها، ده - دهها، (دهکده ها، روستاها)، سبزی - سبزیها، دسته - دسته ها، کوهستان - کوهستانها، پرزه - پرزه ها، میوه - میوه ها.

نوشته - نوشته‌ها، کارخانه - کارخانه ها، خواهش - خواهشها، فرمایش - فرمایشها ، نمایش - نمایشها ، سفارش - سفارشها ، گزارش - گزارشها ، پیشنهاد - پیشنهاد ها.

تمام واژه های دخیل به هنگام جمع بستن با علامه های ویژهٔ زبان دری « - ها » و « - ان » جمع بسته میشوند .

واژه های دخیل زبان عربی ، که درآن زبان با علامه های جمع سالم عربی « - ون، - ین، -ات» جمع بسته‌میشوند، هنگام جمع بستن درزبان دری تاحد امکان باید با علامه های جمع ویژهٔ زبان دری (-ها، - ان) جمع بسته شوند؛ مانند:

معلمان، محصلان، محققان ، مفتشان، مهندسان ، عالمان، فاضلان ، مؤرخان، کاتبان، ناظران ، منشیان، مأموران، آمران، مدیران، وزیران، کلمه‌ها سیاره ها، طیاره ها، عادتها، واقعه ها و امثال اینها .

بنا براین، جمع بستن این واژه ها به گونهٔ باغات، دهات ، میوه جات، سبزیجات، پرزه جات، کار خانه جات، خواهشات ، فرمایشات، گزارشات سفارشات، پیشنهادات - هرچند به‌کار هم رفته است - نادرست است و کاربرد علامه های {جات} یا { ات } با واژه های دری به هیچ صورت جایز نیست .

پیشرفت، پیشنهاد، پیشرو، پیشاهنگ، هماهنگ ،رویداد، روانکاو، روانشناس، زبانشناس، زبانشناسی، دستیاب، پاپاك، صاحبدل، صاحبنظر، گلفروش، میفروش، دلارام، دلاویز ،نیکنام،نیکبخت، خوشحال، جهانبینی، جهانشناختی، دستنویس، جهانگرد، آسمانخراش، آموزشگاه، پرورشگاه، باشگاه، دانشگاه، گفتگو، جستجو، دوستدار، هیچکاره و امثال اینها.

و اما این واژه‌ها : پیرهن چاك، افسون‌کنان،شست و شو، شکست ناپذیر عدالت شعار، شماتت ورزی، که یکجا نوشتن آنها سبب دشواری و ثقلت در خواندن میشود، باید جدا نوشته شوند .

۲۰- تنوین (دو زبر، دو زیر، دو پیش درحرف آخر واژه ها) :

تنوین تنها بر واژه های عربی نوشته‌میشود ودرزبان دری‌تنهاتنوین«دو زبر» برواژه های عربی رایج میباشد * که قواعد نوشتن آن چنین است:

الف) بنا بر قاعدهٔ کلی ورایج در پایان واژهٔ مورد نظر « الفی» میافزاییم و بالای آن « دوزبر» مینویسیم؛ مانند :

اصلاً، اجمالاً احتمالاً، اساساً ، حتماً، قسماً، عیناً، راساً، مثلاً، ابداً، فوراً، مختصراً ،

حقیقتاً، نسبتاً، موقتاً، ذاتاً، عجالتاً، ندرتاً .

ب) تنوین «دو زبر» در واژه های عربی مختوم به همزه {ء} بر سر همزه نوشته میشود؛ مانند :

استثناء	استثناءً
جزء	جزءً

* یک نکتهٔ دستوری: کار برد تنوین با واژه های غیر عربی در زبان دری درست نیست؛ چون: تیلفوناً، تلگراماً، زباناً، ناچاراً .

۲۱- واژه های همزه دار :

همزه {ء} ویژهٔ واژه های عربیست .

همزه در واژه های عربی هم در آغاز، هم در میانه و هم در انجام می آید و شیوهٔ نوشتن آن دستور های ویژه یی دارد، ؛ اما بحث ما در بارهٔ طرز نوشتن «همزه» در واژه‌های دخیل عربی در زبان دریست که به گونهٔ زیر مشخص میشود:

(۱) در آغاز واژه های عربی به‌شکل { ا } نوشته میشود؛ مانند :

اتفاق، اتحاد، امت، اصحاب، ایجاد، امتنان ؛

(۲) هر گاه همزه در پایان واژه ها بر کرسی { أ } یا { ؤ } نشسته باشد، همزه حذف نمیشود؛ مانند :

مبدأ	مبدأ زبان دری
لؤ لؤ	لؤ لؤ ناب و نایاب
رؤیت	رؤیت هلال

(۳) در آن دسته از واژه های عربی که بر وزن «فاعل»، «فواعل» و «فعائل» باشند، در زبان دری به جای همزه {ی} نوشته میشود؛ مانند :

اصل عربی (بر وزن فاعل)	املای دری
قائل	قایل
سائل	سایل
مائل	مایل
جائز	جایز
نائل	نایل

اصل عربی (بروزن فواعل)	املای دری
فوائد	فواید

نوائب	نوایب
جوائز	جوایز
عوائد	عواید
زوائد	زواید
اصل عربی (بر وزن فعائل)	املای دری
شمائل	شمایل
قبائل	قبایل
دلائل	دلایل
حمائل	حمایل
اوائل	اوایل
مسائل	مسایل
فضائل	فضایل

(٤) هرگاه حرکت حرف ما قبل همزه فتحه باشد؛ همزه بر کرسی { ا } نوشته میشود؛ مانند :

تأثیر، تألیف، تأویل، تأریخ، رأس، یأس، مأمور.

(٥) هرگاه حرکت ماقبل همزه ضمه باشد، همزه بر کرسی {و} نوشته میشود؛ مانند: مؤمن، لؤ لؤ، مؤتمن، مؤذن .

(٦) همزهٔ ما قبل متحرك بر کرسی {و} اول نوشته میشود؛ مانند: رؤوف، داؤود، رؤوس، شؤون *

(٧) همزه مکسور ما قبل متحرك بر کرسی { ی } (یای بی نقطه) نوشته میشود؛ ما نند رئیس، لئیم .

* در متنهای کهن عربی این واژه‌ها به شکل رؤف، مسؤل و داؤد هم آمده است.

(۸) همزهٔ مفتوح ما قبل ساکن برکرسی { ا } نوشته میشود؛ مانند: مسأله، مسألت.

(۹) همزهٔ مفتوح ما قبل{ی}ساکن بر کرسی{ی} (یای بی نقطه) نوشته میشود؛ مانند: هیئت، خطیئت، بریئت .

(۱۰) همزهٔ مکسور ماقبل ساکن برکرسی{ی}(یای بی نقطه)نوشته میشود؛ مانند: اسئله (جمع سوال)، افئده (جمع فؤاد به معنای دل) ، تخطئه .

(۱۱) همزهٔ ما قبل مضموم وما بعد الف بر کرسی {و} نوشته میشود؛ مانند: سؤال، فؤاد .

(۱۲) همزهٔ مضموم ماقبل ساکن وما بعد {و} بر کرسی {و} نوشته‌میشود ؛ ما نند :مسؤول، مرؤوس، مشؤوم .

(۱۳) واژه های مآخذ (جمع مأخذ) ،لآ لی(جمع لؤلؤ) ، مآل ، مآب ، مآثر ، متحدالمآل ، اجراآت ، اقتضاآت ، قراآت(جمع قرائت) ، منشآت ؛ جرأت ، قرائت ، تبرئه، ارائه، برائت، توطئه، تخطئه، نشأت ودنائت به‌همین شکل نوشته‌میشوند.

(۱۵) واژه‌هایی که‌در اصل عربی همزه ندارند، بدون‌همزه‌نوشته‌میشوند؛ مانند: موفق، موقت، موظف، موجز، مصون .

(۱٦) واژه هایی که در اصل عربی همزه دارند در شکل فاعلی و مفعولی با همزه نوشته میشوند ؛ مانند : مؤرخ (از تأریخ)، مؤدب (ازتأدیب) ،مؤکد (از تأکید) ، مؤنث (از تأنیث)، مؤخر (از تأخیر)، مؤثر (ازتأثیر) .

(۱۷) همزه‌یی که در پایان واژه های عربی‌بدون کرسی‌نوشته میشود، حذف نمیگردد؛ مانند: سوء وجزء (جز و) وشیء (درزبان‌دری این‌واژه به‌شکل «شی» و جمع آن « اشیا» نوشته میشود.)

۲۲- الف مقصوره :.

در عربی« الف مقصوره» یا ییست ({ی}) در پایان واژه ها که {آ} خوانده میشود. چنین واژه ها در املای دری مانند اصل عربی نوشته میشوند ؛ مانند:

عیسی، موسی ، مصطفی، معنی، مرتضی، یحیی، فتی، حتی، مجتبی، صغری، کبری، اعلی، ادنی، الی، اولی، علی .

هر گاه چنین واژه ها مضاف، موصوف، منسوب و در عبارتها و ساختار های دستوری دیگر واقع شوند، {ی} به صورت { ا } نوشته میشود وقاعدهٔ واژه های مختوم به { ا } بر آنها تطبیق میگردد؛ مانند :

عیسی	عیسای مریم
موسی	موسای کلیم الله
معنی	معنای واژه ها ، واژه های چندین معنایی
لیلی	لیلای قشنگ من، کرشمهٔ لیلایی
شوری	شورای وزیران
یحیی	یحیای برمکی

هر گاه این گونه واژه ها منسوب قرارگیرند، درزبان عربی به صورت زیر نوشته میشوند :

موسی	موسوی
عیسی	عیسوی
معنی	معنوی
گنجه	گنجوی
قبیله	قبیلوی

و اما در املای زبان دری اشکال زیرین را به خود میگیرند :

موسی	موسایی
عیسی	عیسایی
معنی	معنایی
گنجه	گنجه‌یی
قبیله	قبیله یی

واژه های زیر درحالتهای فاعلی و مفعولی به دو شکل نوشته میشوند :

شکل فاعلی	شکل مفعولی
مدعی	مدعا *
محتوی	محتوا
مستوفی	مستوفا
مقتضی	مقتضا
منتهی	منتها

نوشتن واژه های عربی بلوی، تقوی، قوی، مبتلی، مصفی و مستثنی در زبان دری با « الف» مرجح دانسته میشود ؛ مانند :

بلوا، تقوا، قوا، مبتلا، مصفا، مستثنا .

۲۳ـ هرگاه واژهٔ « ابن» در آغاز و پیش از اسم خاص آید، چنین نوشته میشود:

ابن‌سینا، ابن بطوطه، ابن رشد، ابن احمد، ابن زید .

و اما هرگاه «ابن» دربین دواسم خاص آید، { ا } آن درنوشته حذف میشود؛ مانند: محمد بن احمد دقیقی بلخی ، عیسی بن مریم، یحیی بن خالد برمکی،

---

* و« مدعی» به صورت « مدعا» تلفظ شده؛ اما به عنوان اصطلاح فقهی (کسی که بروی دعوا صورت میگیرد) به شکل « مدعی علیه» نوشته میشود .

حمزه بن حسن اصفهانی، حمزه بن علی •

۲۴- هرگاه واژه های «بعض، برخ، بخش» درعبارتهای اضافی، توصیفی و نسبتی آیند، چنین نوشته میشوند :

بعضی مردم، برخ اول، بخش دیگر؛ اما اگر پس از آنها پیشینهٔ «از» آید، چنین نوشته میشوند: بعضی از مردم، برخی از این کتاب، بخشی از گفته های افلاطون.

و اگر نکره واقع شوند (به سان دسته‌یی، گروهی، عده یی) به شکل زیر نوشته میشوند :

بعضی این طرف رفتند و برخی آن طرف .

برخی به موضوع دلچسپی نشان دادند و برخی بیتوجه ماندند .

بعضیها باور دارند و برخیها آن را نمیپذیرند .

۲۵- واژه های «این» و«آن» جدا نوشته میشوند؛ مانند: این‌مکتب، این‌خانه، این مرد، آن زن، آن شخص، آن دکان، آن دفتر، آن طرف .

این زمان، آن زمان، این وقت، آن وقت، این چنین، آن چنان، این کس، آن کس، این طور، آن طور، این گونه، این سو، آن سو، این جا، آن جا، این که، آن گاه .

• هرچند دراین واژه ها {ا} محذوف است، بعد از{ی} به صورت‌فتحه و بعد از دیگر حروف به صورت کسره تلفظ میشود؛ مانند:

دارای‌جهان نصرت‌دین‌خسروکامل   یحیی بن مظفر ملک عالم عادل

(حافظ)

شنیدم که اعشی به راه مکه شد   سوی هودة بن علی یمانی

(منوچهری)

همچنان واژه های « همین» و « همان» نیز جدا نوشته میشوند؛ مانند:
همین که ، همان گونه، همین طور، همان طور، همین سان، همان سان.
۲۶- {که} از واژه ها جدا نوشته میشود؛ مانند: مردی که آمد، چنان که گفته آمد، وقتی که گفتی، زمانی که مطمئن شدی.
واما واژه‌های « چگونه»، « چرا»، «چطور»، «چنانچه»، « آنچه» و « آنکه» به همین شکل نوشته میشوند.
۲۷- واژهٔ « هیچ» جدا نوشته میشود؛ مانند:
هیچ چیز، هیچ کس، هیچ گونه، هیچ صورت، هیچ جا، هیچ وقت، هیچ گاه، هیچ یک، هیچ کدام.
۲۸- {کی} و {چی} پرسشی به شکل زیر نوشته میشوند:
کی می آید؟ کی گفت؟ تو به کی گفتی؟ چی گفتی؟ چی میخواهی؟ چی چیزی میتواند ترا مطمئن گرداند؟
۲۹- واژه های عربی به وزن « تفعیل» چنین نوشته میشوند:
تعیین، تمییز، تغییر(بادو {ی})
۳۰- ترکیبات عربی مستعمل در دری جدا نوشته میشوند؛ مانند:
ان شاءالله، عن‌قریب، مع هذا، مع ذلک، من جمله، علی هذا، من بعد.
۳۱- پیشینهٔ ندای {ای} از واژه ها جدا نوشته‌میشود: مانند:
ای خدا، ای دوست، ای مرد، ای یار، ای که از راه دور آمده ای.
۳۲- این واژه‌ها بادو {و} نوشته میشوند:
کاووس، طاووس، سیاووش، کیکاووس.
۳۳- برخی از نامهای خاص اروپایی، که نوشتن آنها با {ط} متداول شده است، باید به همان گونه نوشته شوند؛ مانند:

سقراط، افلاطون، ارسطو.

و اما برخی از واژه های دیگر دخیل با { ت } نوشته میشوند ؛ مانند :
اتاق، اتریش، ایتالیا، بریتانیا، امپراتور، پترول.

۳۴- واژه‌ها وترکیبات زیر بدین شکل نوشته میشوند:

درست	نادرست
بالخصوص	باالخصوص
بالعموم	باالعموم
بالاخص	باالاخص، بلاخص
بالکل	با الکل
با لعکس	باالعکس
بالاخر	بالاخره، باالاخر
خوشنود	خشنود
خورشید	خرشید
خورسند	خرسند
خورد(کوچک)	خرد *
کمک	کهمک، کومک

واما واژه های زیر به دوشکل‌به معنیهای مختلف نوشته میشوند:

ادا کننده	ترک کننده
سپاسگزار	سپا سگذار
شکر گزار	شکر گذار

* واژه های « خورسند »و« خورد » درمتنها به شکل«خرسند » و « خرد» نیز آمده است .

نمازگزار	نمازگذار
خدمتگزار	خد متگذار

۳۵- واژه‌ها و اصطلاحهای دخیل اروپایی به این شکل نوشته میشوند :

فیودالیزم، سوسیالیزم، کمونیزم، انترناسیونالیزم، انارشیزم، رویزیونیزم، سکتاریزم ، شووینیزم، صهیونیزم، لیننیزم، مارکسیزم، میلتاریزم ، ناسیونالیزم، کاپیتالیزم ، نازیزم ، لیبرالیزم ، ریالیزم ، رمانتیزم ، کوبیزم ، دگماتیزم ، پراگماتیزم، اگزستانسیالیزم .

ایدیولوژی، بیولوژی، سوسیولوژی، سایکالوژی، پسیکولوژی، پدا گوژی دماگوژی، آرکیولوژی، زولوژی، میتودولوژی.

ایدیال، ایده، دموکراتیک، دموکراسی، اکادمی، پاسیف، اکتیف، تلفون، تلگراف ، تلگرام ، تلویزیون ، فلم، کامره، کست ، ترانسفارمر، پاراگراف ، میخانیک، پروفیسر ، داکتر، پلیس، رنسانس، استتیک ، سیمینار ، جنرال ، برس (برس بوت) ، بورس (بورس تحصیلی) ، بیوگرافی، اتوبیوگرافی، لیسانس، لیسانسه، یونیورستی، میناتور، میناتوری .

بخش دوم

نشانه گذاری

نشانه گذاری (که نقطه گذاری، تنقیط، علایم تنقیط وعلامات اعجامیه نیز گفته شده‌است)به کاربردن نشانه های ویژه ییست باارتباط به نگارش جمله‌ها وتعبیرها. هدف ازکاربرد نشانه ها، بهتر فهماندن مقصود، آسانی وروانی در خوانش، رعایت وقف ومکث، تغییردادن لحن جمله‌ها وعبارتها بنابرضرورت وجزوآنهاست.

چون نشانه‌ها به جمله ها وعبارتها صراحت بیشتر میبخشند ، بنا براین، کاربرد آنها در جاهای مناسب امریست ضروری .

۱- شیوهٔ نوشتن پاراگراف Paragraph

هرگاه نوشته‌یی آغازگردد، باید ازحاشیهٔ معمولی درفاصلهٔ یک ونیم سانتی متر به طرف داخل صفحه نوشته شود.

هرپاراگراف باعین خصوصیت وبه همان فاصله به طرف داخل صفحه آغاز میشود .

۲ـ نقطه Full Stop Period [.]

الف) درپایان جمله هایی که پرسشی ، ندایی وتعجبی نباشند ، گذاشته میشود ؛ مانند :

معبد سرخ کوتل در بغلان است.

هوشنگ از سفر تازه برگشته است.

برادرم ازکار خود رضایت کامل دارد.

به اوبگو که بیاید.

بیایید.

بلی.

ب) پس از مخففات نیز نقطه گذاشته میشود؛ مانند :

این رساله به سال ۱۳٦۳ هـ . ش. نوشته شد.

ح.د.خ.ا. حزب طرازنوین وپیشاهنگ مبارزو آزمودهٔ طبقهٔ کارگر وتمام زحمتکشان وطن محبوب ما افغانستان وعالیترین شکل سازمان سیاسی آن‌است.

اتحادیهٔ نویسنده‌گان ج .د .ا. پس‌ازمرحلهٔ نوین وتکاملی انقلاب ثور تأسیس گردید.

۳ـ کامه (ویرگیول ، سکته) Comma [،]

الف) هرگاه‌چند واژه یاعبارت پهلوی‌هم بیایند باید توسط {و} ـ های‌عطف به هم پیوند یابند، در همچوموارد { و} ـ ها حذف وبـه جای آنها نشا نهٔ [،] گذا شته میشود وپیش از فر جا مین واژهٔ عطف شده به واژهٔ پیشین {و} نو شته میشود ؛ مانند :

هیئت ترکیب یک عمارت باید نماینده هماهنگی ، تناسب ، جلوه ، ابهت ،

ابتکار، استقامت وصفات دیگر مورد نظر باشد.

یا: نگارش بیروح وغیرهنرمندانه بی تأثیر، یکنواخت، کسا لت آور، دلـگزای و نا پسند است.

ب) پیش ازجمله ها وعبارتهایی که شرح وتفسیر جمله ها وعبارتهای پیشین باشند گذا شته میشود؛ مانند:

کاربرد درست نشانه گذاری، که بخش مهمی ازنگارش‌است، درهرحال ضروریست.

یا: ابومسلم خراسانی، که مردی دلیر ووطنپرست بود، همواره اندیشهٔ آزادی واستقلال خراسان را به سرمیپرورانید.

ویا: ماهمواره در زیر پرتوآفتاب‌منطقهٔ گرم، دروادی گیاهان رنگارنگ، باهم میزیستیم.

ج) هرگاه جمله‌یی بایکی از واژه‌های «بلی»، «نه»، «نی»، «خیر»، «درست» وامثال آنها آغاز شود، پس ازآن واژه کامه [،] ودرپی آن بقیهٔ جمله نوشته میشود؛ مانند:

بلی، من اشعار اورا خوانده‌ام.

نه، گفتهٔ شما درست نیست.

نی، ناسنجیده نباید عمل کرد.

درست، میتوان این نظر شما را پذیرفت.

مااگر این واژه هاتنها بیایند، پس ازآنها نقطه [.] نوشته میشود؛چون:

ـ داستانت را تمام کردی؟

ـ بلی.

یا: آیا میخواهی غذایت راهمین اکنون بخوری؟
نه.

د) درنوشته های علمی وتحقیقی، درپانویسها، برای جداکردن مشخصات یک مأخذ (مانندنام مؤلف، جای‌وسال‌چاپ وصفحهٔاثر) نوشته میشود؛ مانند:

الکامل فی‌التاریخ، ابن الاثیر، ج۷، قاهره: ۱۳۴۸، ص ۲۴۷.

یا: ابوسعید عبدالحی گردیزی، زین الاخبار، به تصحیح وتحشیهٔ عبدالحی حبیبی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵، ص‌ص ۱۲۰-۱۲۲.

۴- سمیکولن (ویرگیول با نقطه، مفرزه) Semicolon [؛]

الف) برای جداکردن فقره‌ها وجمله‌هایی که‌پیهم آیند وبه‌هم مربوط باشند؛ ولی ایجاب گذاشتن نقطه را ننمایند، نوشته میشود؛ مانند:

ازبدکرداران نفرت‌دارم؛ ازساده‌لوحان بدم می‌آید؛ راستان ونیکوسرشتان را دوست دارم.

یا: باید گفت کتابهای درسی مکاتب درزمینه های گوناگون نوشته‌میشوند، یعنی درجملهٔ کتابهای درسی ریاضی و فزیک هست؛ کیمیا وبیالوژی هست؛ تاریخ وجامعه شناسی‌هست؛ فلسفه واقتصاد سیاسی هست؛ هنر وادبیات هست؛ دستور زبان وزبانشناسی هست وبسیاری ازرشته های‌علمی دیگرهم‌هست.

ب) درجمله هاپیش از واژه های «مثلاً، مانند، به‌حیث مثال، به گونهٔ نمونه، چون» وامثال آن، که‌به منظورایراد مثال بیایند، نوشته میشود؛ مانند:

سهوو فراموشی یااشتباه وغلطی‌درکاربرد نشانه هاشاید نوشته یی را بیمعنی گرداند یاغیر ازآنچه نویسنده خواسته است جلوه دهد؛ به حیث مثال: ...

ج) در نوشته‌های علمی وتحقیقی، هر گاه مطلبی به چندین مأخذ رجعت

داده شود کامه [،] برای جداکردن هربخش یک مأخذ و سمیکولن [؛] برای جداکردن هرمأخذ از دیگر آن نوشته میشود؛ مانند:

تاریخ بیهقی، چاپ داکتر غنی وداکتر فیاض، تهران: ۱۳۴۴، ص ۱۲۵؛ ترکستان تاهجوم مغول، بارتولد، لندن: ۱۹۴۸، ص ۷۸؛ الکامل فی التاریخ، ابن الاثیر، ج ۷، قاهره: ۱۳۴۸، ص‌ص۳۲-۳۵ .

د) درقاموسها معنیهای به‌هم مربوط یک واژه توسط کامه ها ومعنیهای مستقل، که تحت‌اعداد«۱، ۲، ۳» می آیند، توسط سمیکولن جدا میشوند؛ مانند:

آیدیا(ایده)، اسم:

۱- پلان، پروژه، طرح؛ ۲- فکر، عقیده، مفکوره، نظر، مقصود.

ه) پیش از واژه های « اما، زیرا، ولی، لیکن، مگر، بلکه» نوشته میشود .

۵ - شارحه (دو نقطهٔ سربه سر، بیانیه) Colon [:]

الف)در نقل‌مستقیم‌پیش‌از ناخنکهای‌دوتایی [« »] گذاشته‌میشود؛ چون:

افسری به سربازان گفت: « همواره درنگهداری‌وحفظ سلاح خود بیدار وهوشیار باشید! »

ب) برای شرح وتفصیل یک مطلب درجمله نوشته میشود؛ مانند:

عنوانهای اشعاری که درشمارهٔ اول سال‌دوم مجلهٔ ژوندون چاپ شده‌اند، عبارت انداز: قصه هایی از آدمها و تاریخ، تلاش، مردی در چشمه، کتیبه، شب وماه وتو.

ج) پس ازعنوانهای کوچک کنار صفحه، که‌سطر به ادامهٔ آن نوشته شود، به کار میرود؛ مانند:

اقسام « واو» در زبان دری: واو در زبان دری پنج قسم است وبه نامهای

واو عطف، واومجهول، واومعروف، واودفتانگ وواومعدول یادمیشوند :

د) پس از واژه های «مانند، چون، به حیث مثال، به گونهٔ نمونه و...»، که به دنبال آنها مثال ذکر شود، گذاشته میشود.

٦ـ فاصله (خط) Dash [–]

الف) پس از شماره های تقسیمات یک موضوع به بخشهای عمده واساسی نوشته میشود؛ مانند:

مثنوی به طور عمده چهار قسم است:

١ـ مثنوی حماسی

٢ـ مثنوی غنایی

٣ـ مثنوی عرفانی

٤ـ مثنوی حکمی

ب) به منظور تفسیر وتوضیح یک واژه یایک عبارت نوشته میشود؛ مانند:

ناصرخسرو ـ شاعر مبارزودانشمند زبان دری ـ به سال ٤٨١ هـ .زنده‌گی را پدرود گفت.

یا: محمود طرزی ـ پرکارترین مترجم آثارابداعی وروزنامه نگارتوانا ـ اشعار زیادی نیزسروده است.

ج) گاهی به منظور تفسیر وتوضیح یک واژه یایک مطلب تنها یک بار در پایان یادر بخش آخر جمله نوشته میشود؛ مانند:

نباید جمله های ما بیجان و ماشینی باشند ؛ بلکه باید رشد کنند وبزرگ شوند ـ بدان سان که جانداران نمومیکنند وبزرگ میشوند.

د) درگفتگوی دونفری (دیالوگ) ، داستان، نمایشنامه یافلمنامه وقتی که

از گوینده‌گان به تکرار نام برده نشود ، پس از گفتار هرگوینده، که درآغاز سطر نوشته میشود، فاصلهٔ [–] میگذارند؛ مانند:

مادر باتبسمی از کودك پرسید:

– پدرت رابه یاد داری؟

– اوه! بلی .

– میدانی او اکنون درکجاست؟

– در پلخمری.

– آنجا چی میکند.

– درفابریکهٔ سمنت کارمیکند.

یاد داشت نخست :

یک نوع فا صلهٔ دیگری هم هست که در زبان انگلیسی Hyphen نا میده میشود. هایفن با فاصله‌هم ازنظرشکل وهم ازنظرجایهای کاربرد تفاوت دارد. درازی « فاصله» اندکی بیشتر ازدوملی متر واز « هایفن » یک ملی متر است. هایفن در موارد زیر نوشته میشود :

الف) در واژه های ترکیبی؛ مانند:

عوامل اقتصادی - اجتماعی ، دستاورد های علمی - تخنیکی ، زبانهای اندو - اروپایی.

ب) هرگاه درچاپ، تایپ یادستنویس برای نوشتن یک واژه درصفحه جای‌نماند وواژه‌به دوبخش تقسیم شود، پس ازیک بخش واژه درپایان سطر گذاشته میشود. باید به یاد داشته باشیم که هرگز نباید یک‌هجای واژه رابه گونهٔ زیر تقسیم کرد؛ بلکه باید واژه‌ها را به هجاها تقسیم نمود:

درست	نادرست
دست ـ آورد	دستآـ ورد
	دستآوـ رد
	دست آورـ د
کشورـ داری	کشوـ رداری
	کشوردـ اری
	کشورداـ ری

ج) درنوشته های علمی وتحقیقی وقتی واژه‌های نامستقل ازگونهٔ پیشوندها وپسوند ها به تنهایی نوشته شوند، پیش از پسوند ها وپس از پیشوندها، هایفن گذاشته میشود؛ مانند:

ـ م، ـ یم، ـ ید (نشانه های ضمیری که در آخر افعال می آیند ، مانند: گفتم، گفتیم، گفتید.)

میـ، همیـ (پیشوند های استمرار، مانند: میروم، همیرفتم .)

اماپیشوندها، پسوندها وعلامه های جمع رانباید طوری تقسیم کردکه از اصل واژه توسط هایفن جدا ودرسطر دیگر نوشته شوند ، یعنی پیشوند ها ، پسوندها وعلامه های جمع بااصل واژه درعین سطر گنجانیده شود؛ مانند:

درست	نادرست
کتابها	کتاب ـ ها (نقل « ها » درسطر دیگر)
میکرد	می ـ کرد (نقل اصل واژهٔ « کرد» درسطردیگر)

خوردیم		خورد۔
یم(نقل «یم» جدا از اصل واژه درسطر دیگر)

یادداشت دوم :

گاهی تایپستها، وقتی در پایان سطرجای اندك باقی مانده نوشتن واژه یی در آن جای گنجایش نداشته باشد، بدون موجب فاصله یا هایفن را تایپ‌میکنند تا انجام سطرها باهم متوازن شوند. این کـار رکا ملا* بیفا یده ونا پسند است. باید واژه را درازتر تایپ کنند یاهمان بخش آخر سطر را خالی بگذارند.

همچنان درتایپ وچاپ غالباً به جای کامه [،] فاصله [–] میگذارند که به کلی بیمورد وخطاست. باید از این کار اجتناب وجای کامه خالی گذاشته شود تابعد؟ بادست کامه نوشته شود؛

۷- نشانهٔ پرسش(سوالیه، علامهٔ استفهام) Question Mark [؟]

الف) پس ازواژه، فقره وجمله‌یی‌که‌شکل پرسش‌مستقیم – ونه غیرمستقیم – را داشته باشد، نوشته میشود ؛ مانند :

شما امروز کجا میروید؟

یا : من ازوی پرسیدم: «چی وقت رهسپار هرات میشوی ؟»

ویا: چرابه وقت معین درجلسه نیامدی؟

این نشانه در پایان پرسش غیرمستقیم به کار نمیرود. در اخیر پرسشهای غیرمستقیم نقط [.] گذاشته میشود؛ مانند:

من ازوی پرسیدم که چی وقت رهسپار هرات میشود .

یا : من از جاوید پرسیدم که چرا بیموجب خشمگین گردید.

ب) هرگاه واژه‌یی، مطلبی یانکته یی، در موضوع مورد تحقیق، برای محقق نا معلوم باشد و اشتباهی به نظر برسد پیش روی آن، نشانهٔ پرسش میگذارد؛ به گونهٔ مثال:

حنظلهٔ بادغیسی به سال ۲۱۹ ه.ق. (؟) درگذشت.

۸ـ نشانهٔ ندا (ندائیه، اعجابیه، علامهٔ خطاب) Exclamation Mark [!]

الف) پس‌از واژه‌هایی که درمحل ندا باشند، نوشته میشود؛ مانند:

خداوندا ! بیش‌ازاین، اعتراف واضحی دربارهٔ ناتوانی‌کسی وجود دارد؟

یا: خداوندا، مرادر انجام کارهای نیک یاری ده !

اگرواژه های مبین هیجانها، عواطف وتأثرات تنها به کاررود نشانهٔ اعجاب [!] پس ازآنها نوشته میشود؛ مانند:

واحسرتا!

دریغا !

آفرین!

آه!

واخ!

اما اگرپس ازآنها جمله‌یی بیاید پس‌ازچنین واژه هاکامه [،] ودرپایان جمله، نشانهٔ اعجاب [!] گذاشته میشود:

ب) درپایان جملهٔ تعجبی نوشته میشود؛ مانند:

چه بازی جالب وحیرت انگیزی بود!

یا: شگفت سخنی!

ویا: چه دروغ شاخداری !

ج) برای اظهار تأثرات وعواطف، بیان حالتهای ناگهانی وهیجانی، اظهار خوشی، اندوه، نفرین وامثال آن می آید، مانند:

آه!

آه، چه درد جانکاهی!

دریغا!

دریغا، آن قهرکرده را سیر ندیدم!

آخ!

آخ، چه ستم سختی!

حسرتا!

حسرتا، که بیست سال ازدیدار مادر محروم ماندم وتادم مرگش نتوانستم اورا ببینم!

اوه!

اوه، شما واینجا!

اوه، ازدیدن شمادر این کشور بیگانه چقدر شادمان شدم!

د) برای تمسخر واستهزا یاشوخی‌ومطایبه درپایان جمله هایی که ظاهراً جدی وباور کردنی باشند، به کارمیرود؛ مثلاً دربارهٔ شخص نادان وبیسوادی چنین گفته شود:

این است نویسندهٔ توانا ودانشمند نامور کشور!

یادربارهٔ مرد دروغگو ولافزنی گفته شود:

این است مردی که از دروغگویی ولافزنی نفرت دارد!

یادداشت :

باید گفت که به کاربردن چندین نشانهٔ ندا یا نشانهٔ پرسش درجمله، نادرست است ؛ اما اگرجمله یی هم تعجب آوروهم پرسشی یاهم پرسشی وهم شوخی آمیز باشد، میتوان پس ازیک نشانهٔ پرسش، تنهایک نشانهٔ ندا را به کاربرد؛ مانند

اوه، آیاراست میگویی ؟ جایزهٔ صدهزار افغانیگی نصیب من شده است؟!

۹- ناخنکهای دوتایی (قوس کوچک، قوس ناخنک، علامت نقل قول)

[« »] Quotation Morks

الف) برای نقل مستقیم قول دیگران به صورت - حکایتی یعنی ازز بان کسی - یا برای نقل قول مستقیم دیگران از کتابهای مأخذ پس ازشارحه [:] به کار میرود؛ مانند:

اوگفت: « مقصودت را فهمیدم »

یا : در کتاب هفت قلزم امین احمد رازی چنین آمده است : « بهمن فرمودتاد انشمندان، زبان فارسی فصیح وضع کردند وآن را دری نام نهادند.»

ب) برای نشان دادن برخی نامهای خاص (اشخاص، اشیا، جایها، اصطلاحها) نوشته میشود؛ مانند:

« بینوایان» راچندین بار خوانده ام.

یا: منظورم ازتذکر عراق «عراق عجم» بود نه عراق کنونی.

ج) برخی از واژه ها وعبارتهایی که به مفهوم خاص و برجسته به کار میروند -که درمواردی در زبانهای اروپایی به حرفهای کلان نوشته میشوند - درزبان دری میان ناخنکهای دوتایی گرفته میشوند؛ مانند:

ما آن را« دریای خاموشی» نامیده بودیم.

یا: ماهمیشه به زیر شعاع آفتاب منطقهٔ گرم در« وادی علفهای رنگا رنگ » یکجا میزیستیم.

د) هرگاه نویسنده، واژه‌یی را درمعنای غیر حقیقی وبه معنای مجازی بـه کارببرد،آن را میان ناخنکهای دوتایی جای میدهد؛ مثلاً اگر واژهٔ «مادرمهربان» رابه معنای دانشگاه درمورد محصلان دانشگاه استعمال کنیم :

بیشتر محصلان دانشگاه میپندا رند که‌تنها باایستاده‌گی به‌عهدوپیمان دربرابر قوانین ومقررات فاکولته وایستاده‌گی به‌عهد وقول دربرابر همدرسان ویا انجام دادن آنچه « مادر مهربان» ازآنها متوقع است، کار پسندیده‌یی میکنند.

ه) گاهی برخی از واژه های ناآشنای خارجی یا واژه های عامیانه واصطلاحات فنی وتخنیکی دربین ناخنکهای‌دوتایی گرفته میشود؛ مانند:

... بخش‌مهمترتجدیدنظر، کوشش‌برای ایجاد ساختمان مستحکم ومتین، تعبیر کامل و دقیق ، بیان مشخص (کانکریت) و« بسته بندی شده» است کـه مقالهٔ خوبی را به وجود می آورد.

و) اگر درضمن سخنانی که در بین ناخنکهای دوتایی نوشته شده باشند، واژه‌ها یاسخنهایی بیایندکه‌ایجاب کنند دربین ناخنکها نوشته شوند،چنین واژه‌ها یاسخنها دربین ناخنکهای یکتایی بدون نشانهٔ شارحه نوشته میشوند ؛ مانند:

هوشنگ پرسید: « چی کسی گفته است ' زنده‌گی مانند رود خانه است' ؟»

یا: اوگفت: « منتقد ی این‌کتاب را ' ضیاع وحشتناک کاغذ' خوانده است.»

یاد داشت:

نشانه های پایان جمله‌ها و سخنهای بین ناخنکهای دوتایی ویکتایی پیش از بسته شدن ناخنکها نوشته میشوند؛ مانند:

خسروگفت: «من ازعهدهٔ انجام دادن چنین کاری برنمی آیم؟»

۱۰- کمانکها (قوس‌میان، هلالین) Parentheses [( )]

الف) به صورت کلی وعمومی، فقره‌ها وجمله های معترضه، که ارتباط دستوری مستقیم باجمله ندارند، درمیان کمانکها گرفته میشوند؛ مانند:

با آگاهی از رهاشدن بند ابریشمین‌جرابش(اگرابریشمین بوده باشد) آن دختربه پناگاه درختان بید رفت.

ب) شماره های تقسیمات دومی موضوع ، معنی یا شرح وتفسیر برخی واژه‌ها، سنه‌ها ومأخذها دربین کمانکها گرفته میشوند؛ مانند:

طرزآموزش واژه‌های‌نوبه سواد آموزان

۱- قوهٔ ادراك واژه‌ها نزد سواد آموزان

قوهٔ ادراك واژه‌ها درخوانش اساساً شامل دومرحله میباشد:

(۱) متمرکز ساختن حواس بایک کیفیت ورسیده‌گی وروانی برشکل واژه‌ها؛

(۲) انگیزش حس تشخیص وشناسایی واژه‌هابه خاطر تشخیص یک شکل ازاشکال دیگربا توجه به طرز تلفظ وفرق معانی‌آنها؛

۲- شیوهٔ انکشاف قوهٔ ادراك واژه ها

دربارهٔ شیوهٔ انکشاف قوهٔ واژه‌ها ، برخی ازمحققان معتقداند که آموزگار باید مواحل زیر را درنظر داشته باشد:

(۱) نوشتن واژه های نوونا آشنا باخط خوانابه روی تخته،

(۲) نشان دادن وشناختاندن حروف هرواژه،

(۳) تفسیر وتوضیح معنای هرواژه باآوردن مثالها ،

(٤) تلفظ صریح، رسا وصحیح هرواژه ،

(٥) موقع دادن به خواندن خاموشانه وفکر کردن سواد آموزان ،

(٦) پرسش آموزگار ازهرسواد آموز.

یا: استیشن فضایی، که باچنین سرعتی به دور زمین میچرخد، درحالت بیوزنی همچون یک قمر سیارۀ زمین (قمر مصنوعی) همراه بامهتاب (قمر طبیعی) به دوران پیرامون زمین میپردازد.

یا: درآثاری که طی سده های ۱۱- ۱۵ م. درهند به وجود آمده سلسله یی ازکتابهای دینی نیزبه برگهای «پالمه» (پالمه نام نوعی درخت بلندیست که دارای برگهای بزرگ و همیشه سبز بوده دربخشها ی جنوب میروید) نوشته شده است.

یا: امیرخسرو، دوسال پیش ازتألیف «قران السعدین» به سال ۲۹۰ هجری قمری (۳۸ ساله‌گی) مثنویی بسیار کوتاهتر ازقران‌السعدین به نام «مفتاح الفتوح» را سرود.

ویا: من سرافرازم که سه سال پیهم (۱۳٤۳-۱۳٤٥ خورشیدی) درشعبۀ زبان و ادبیات دری دانشکدۀ ادبیات وعلوم بشری شاگرد آن جاودانه‌مرد بوده‌ام.

ج) درتقسیم موضوعهایی که به حروف الفبا (الف، ب، ج، د) صورت میگیرد کمانک گذاشته میشود، یعنی حروف الف، ب، ج، د باکمانک مشخص میگرددکه باری مثالهای آن دراین رساله فراوان دیده میشود.

۱۱ـ قلابها (قوس کلان، قوس ایستاده، قوس عمودی) Brackets [ ]

الف) قلابها زمانی استعمال میشوند که برخی از مطالب نقل و اقتباس شده، قابل معنی کردن یاشرح و تفسیر یامقتضی تذکر، افزایش و تکمیل کردن باشد، یعنی نویسنده وقتی بر مطالب منقول و برگرفته، چیزی از خود میافزاید و یابه تکمیل و تصحیح قیاسی متنها میپردازد، آن را درمیان قلابها جای میدهد؛ مانند: «در این یادداشت، ازجرا حتی که جنرال جیکسن بردا شت [در روز اول جنگ درجبههٔ چانسلرس ویل] ذکری به میان نیامد؛ ولی از جنرال لی به تقریب فتح بزرگ، ستایش شده است.»

(ازکتاب «زنده‌گی رابرت لی» اثو جونز)

یا: «ازخصایص کارنویسنده به کار بردن ملاکهای شخصی است؛ ... فرموده‌اند ' فردوسی ذهنی ساده دارد [ازکجا معلوم] ...' بنابراین، کم اتفاق میافتدکه مرز این ارتباط را دورتر از ذهن سادهٔ خواننده‌گان قرار دهند.'»

(ازمقالهٔ «نقدی برتصویر آفرینی درشاهنامهٔ فردوسی» نوشتهٔ علی حصوری)

ویا: «ومردی [این واقعه] دید وبه یوآب خبرداده گفت 'آب شا لوم را دیدم که از درختی بلوط آویخته شد.'»

ب) قلابها درتحقیق و چاپ متنهای کهن نیز به همان منظوری که در بالا ذکر شد، استعمال میشوند. مثلاً هنگامی که دربین مطالب یک اثر، آوردن مطلبی، نکته‌یی، تذکری ومانند آن، ضرور باشد و ازطرف ناشر یامصحح، افزوده شده باشد؛ این مطلب و تذکر افزوده شده دربین قلابها گرفته میشود.

ج) قلابها در زبانشناسی برای ثبت مورفیمها و اصوات نیز به کار میرود.

۱۲- کژ کها [{ }]

کژکها گونهٔ دیگری از نشانه‌هاست که یابه تنهایی ویاهمراه باقلابها وکمانکها هم در زبانشناسی وهم در ریاضیات به کار برده میشوند؛ ما نـند:

هرگاه پیشوند { بی- } باواژه‌هایی بیاید که با حروف نمودار مصوت{ آ،ا} آغاز شوند، جدا نوشته میشـو د.

یا: A={a , b} که دراین جاکژکها برای مشخص ومحد ود نمودن عنا صر یک سیت به کار برده شده است.

ویا: [۳+{ ۲+(۹-۸) ۷+٦} ٤+۳] ۲

۱۳ - سه نقطه (نشانهٔ انصراف، علامت‌صرفنظر) Ellipses [...]

این نشانه هنگام حذف‌یک یاچند واژه یابخشی ازفقره وجمله ــ خواه از نو شتهٔ خود شخص ، خواه از مواد ومطالب اقتباس شده ــ‌که برای دیگران آشکار باشد وضرورتی به نوشتن آن نباشد ویاآنچه که از رهگذری قابل نوشتن نباشد، استعمال میشود. باید گفت که درمیان جمله سه نقطه [...] ودر پایان جمله چهار نقطه[....] گذاشته میشود؛ زیرا نقطهٔ پایان جمله نیز بر آن افزوده میگردد .

به کار بردن بیشتر ازسه نقطه دروسط‌جمله وچهار نقطه درپایان جمله، درست نیست .

۱٤- ستاره Asterisk [*]

این نشانه‌برای توضیح یک مطلب‌مربوط به متن‌درحاشیه ــ علاوه‌برشماره‌ها واعدادی که برای این منظور به کار میروند ــ گذاشته میشود. گاهی درپاورقی

نویسی به‌جای شماره وعدد، یک ستاره ، دوستاره وسه ستارهٔ نزدیک به هم [(*) ، (* *)، (* * *)] به کار برده میشود. هرگاه پاورقی دریک صفحه تمام نشود وبه حاشیهٔ‌صفحهٔ دیگرادامه یابد ؛ درآخر پاورقی این‌صفحه وشروع پاورقی صفحهٔ دیگر، یک ستاره جهت راهنمایی گذاشته میشود. همچنان سه ستارهٔ دورازهم [* * *] برای جداکردن بخشهایا قسمتها ی داستان یایک موضوع طولانی به کار میرود تافاصلهٔ سفید بین‌دوسطر، بیشتر گردانیده شود.

در زبانشنا سی پیش از واژه‌ها یا جمـلـه های نا درست یا باز سازی شده – ازنظر تاریخی – یک ستاره [*] میگذارند ؛ مانند:

* من رفتی

یا: بنده‌گان ← *بندک + ـ ان.

یاد آوری

در نگارش «روش املای زبان دری» ، که برای تعمیم و ترویج روش همگون املایی صورت گرفته ، اصلهای زیرین در نظر بوده است :

- ساختمان دستوری و واکشناختی زبان دری ،
- آسانی آموزش وخوانش ،
- آسانسازی نوشتن وپرهیز ازنگاشتن صورتهای ناهنجار واژه‌ها ،
- هماهنگی نسبی بین صورتهای نوشتاری وگفتاری ،
- زبانشناسی معاصر ،
- دستیابی به معیارهای عام وکاهش موارد خاص املایی .

درستنامه

با پوزش از خواننده‌گان ارجمند خواهش میشود تا پیش از خواندن این رساله لغزشهای زیرین را حتماً درست نمایند. باید یاد آور شد که آن لغزشهایی که خواننده با حدس آنها را در مییابد، در این درستنامه گنجانیده نشده اند :

ـ ص ۲ سرصفحه س ٥، پس از واژه «کابل» به جای نشانهٔ [ـ] نشانهٔ [،] گذاشته شود.

ـ ص ۲ س ٤، «مشاوران» به «مشاور» تصحیح شود.

ـ ص ۲ س ۱۸، درپایان سطر به جای نشانهٔ [.] نشانهٔ [!] نوشته شود .

ـ ص ۲ س ۲۰، «کمیته» به «کمیتهٔ» تصحیح شود .

ـ ص ۳ س ۳، پس از نشانه های [* *] نشانهٔ [،] افزوده شود.

ـ ص ۳ س ٦ پاورقی ، «مثابه» به «مثابهٔ» تبدیل گردد.

ـ ص ۳ س ۱۱، درپایان سطر نشانهٔ [،] ودر پایان س ۱۲ همین صفحه نشانهٔ [.] افزوده شود .

ـ ص ٤ س ۲، «فونیم» به «یا فونیم» تصحیح گردد .

ـ ص ٤ س ۹، «گر»، که در برخی نسخه ها به همین شکل آمده است، به «اگر» تصحیح شود .

ـ ص ٥ س ۱۷ ، پس از «گویند» نشانهٔ [،] نوشته شود ونشانهٔ [،] از پایان همین سطر حذف گردد.

ـ ص ٦ س ۱۰، پس از «نظر اندازیم» نشانهٔ [،] نوشته شود.

ـ ص ۸ س ۷، «متحور» به «متحول» تبدیل شود.

ـ ص ۸ س ۲۲، پس از «عمرو» وپیش از «چون» نشانهٔ [،] علاوه گردد.

ـ ص ۱۰ س ۱۸، چنین تصحیح شود : / úu oáa īle / .

ـ ص ۱۱ س ۱، «ون» به «وآن» تبدیل شود.

ـ ص ۱۱ س ٤، «واك» به «برواك» تصحیح گردد.

ـ ص ۱۱ س ۹، «نابه سامانیهایی» به «ونابه سامانیهایی» تبدیل گردد .

ـ ص ۱۲ س ۲ ، پس از « دارد» به جای نشانهٔ [،] نشانهٔ [،] ونیز پس از واژهٔ «بنابر ین » نشانهٔ [،] گذاشته شود .

ـ ص ۱۲ س ۹ ، پس از «کابل» به جای نشانهٔ [ـ] نشانهٔ [،] گذاشته شود.

ـ ص ۱۵ س ۲۱ ، « محتوم » به « مختوم » تصحیح شود.

ـ ص ۱۹ س ۲۰ ، پس از « میشود» نشانهٔ [.] گذاشته شود.

ـ ص ۲۰ س ۱۰ ، « انصار» به « انصاری » تصحیح شود .

ـ ص ۲۰ س ۱۵ ، « زندگیت» به « زنده‌گیت» تصحیح شود .

ـ ص ۲۱ س ٦ ، «آروزی» به «آرزوی» تبدیل گردد.

ـ ص ۲۵ س ۹ وص ۲٦ س ۷ ، « حروف » به «حرف» تصحیح شود .

ـ ص ۲۷ س ۵ ، مثال« بی‌رتق وفتق» حذف گردد.

ـ ص ۲۷ س ۷وس ۸ ، واژه های « بیننده» ، « نالان» ، «سحرگاهان» ، «چوبین» و«سیمین» حذف شوند .

ـ ص ۲۷ س۱۲ قاعدهٔ ۱۸ چنین تصحیح شود: پسوند جمع [ـ ها] با واژه ها پیوسته نوشته شود.

ـ ص ۲۷ س ۹ ، پس از « افسانه ها » نشانهٔ [.] گذاشته شود ومثال « کوه ـ کوهها» حذف گردد .

ـ ص ۲۸س ٤ ، پس از « دهها» نشانهٔ [،] حذف شود.

ـ ص ۲۸ س۱۸ ، پس از « گزارشات» نشانهٔ [،] گذاشته شود .

ـ ص۲۹ س۱٤ ، واژهٔ « راساً» حذف گردد .

ـ ص۳۰ س۸ ، همزه‌های حرفهای [أ] و [ؤ] حذف وچنین تصحیح شوند: [ا] یا [و] .



ـ ص۳۱ س ۲۰ ، «همزه» به «همزۀ» تصحیح شود.

ـ ص۳۲ س٦ ، «سوال» به «سؤال» تبدیل گردد .

ـ ص۳۵ س۱ ، «ه» «حمزه ها» به «ۀ» تصحیح شود.

ـ ص ۳۵ س ٤ ، «بعضی» به «بعض» تبدیل گردد.

ـ ص ۳۵ س ۲۱ ، «راه مکه» به «شهریمن» تصحیح شود.

ـ ص ٤٠ س ۱ ، «Full stop period» به «Full stop' period» تصحیح شود.
ـ ص ٤٠ س ١٨ ، پس از «یابند» نشانهٔ [؛] حذف وبه جای آن نشانهٔ [.] نوشته شود.
ـ ص ٤٠ س ٢١ ، «نماینده» به «نمایندهٔ» تصحیح شود.
ـ ص ٤١ س ٩ ، به جای « به سر » ، « درسر » نوشته شود.
ـ ص ٤١ س ١٠ ، پیش از واژهٔ « زیر » ، «در» حذف گردد.
ـ ص ٤٢ س ٢ ، چنین تصحیح شود : ـ نه .
ـ ص ٤٤ س ٤ ، « Dash » به « The Dash » تبدیل شود .
ـ ص ٤٥ س ٥ ، پس از «اوه» نشانهٔ [،] وپس از « بلی » نشانهٔ [!] نوشته‌شود .
ـ ص ٤٥ س ٨ ، درپایان سطر به جای نشانهٔ [.] نشانهٔ [؟] گذاشته شود.
ـ ص ٤٦ س ١٦ ، «شود» به «شوند» تبدیل شود.
ـ ص ٤٧ س ١١ ، «سوالیه» به «سؤالیه» تصحیح شود .
ـ ص ٤٨ س ٧ ، پس از «این» نشانهٔ [،] حذف شود.
ـ ص ٤٨ س ٩ ، بعد از « به کار روند» نشانهٔ [،] نوشته شود .
ـ ص ٥٠ س ٧ ، « Morks » به « Marks » تصحیح شود.
ـ ص ٥٠ س ٨ ، پس از «صورت» نشانهٔ [ـ] حذف گردد، واژه حکایتی ، به « روایتی» تبدیل وپس از آن نشانهٔ [ـ] نوشته شود.
ـ ص ٥٠ س ١٣ ، نشانهٔ [،] پس از «دانشمندان» حذف شود.
ـ ص ٥١ س ١ ، پس از «همیشه» ، « به» حذف شود .
ـ ص ٥١ س ١٠ ، «میشود» به «میشوند» تصحیح شود.
ـ ص ٥٢ س ٩ ، «پناگاه» به «پناهگاه» تصحیح شود.
ـ ص ٥٣ س ١٤ ، «٢٩٠» به «٦٩٠» تصحیح شود .
ـ ص ٥٤ س ١٧ ، نشانهٔ [،] بعد از « اثر » حذف شود .
ـ ص ٥٤ س ١٩ ، به جای نشانهٔ [؛] نشانهٔ [،] گذاشته شود .
ـ ص ٥٤ س ٢٠ ، «میرود» به «میروند» تصحیح شود .
ـ ص ٥٥ س ٩ ، «صرفنظر» به «صرف نظر» تصحیح شود .